

به نام خدا

آموزش و پرورش ناحیه ۲ قزوین

سوالات درس فلسفه ۲

رشته علوم انسانی

سال تحصیلی ۴۰۱-۴۰۰

دبیر : علیرضا قنبری

توجه : سوالات حتماً به کتاب درسی خود انتقال یابد

سوالات فلسفه ۲ درس ۹

- ۱- فلسفه در جهان اسلام چند قرن پیش و با توجه به چه عواملی پدید آمد:
- ۲- حیات عقلی چگونه شکل می گیرد:
- ۳- حیات علمی چگونه آغاز شد:
- ۴- اولین فیلسوف مسلمان که بود؟ و یادگارش چه بود:
- ۵- زمینه های رشد فلسفه بین مسلمانان را بنویسید:
- ۶- شکوفایی علم با عقل را با مثالی مقایسه کنید:
- ۷- از نظر مورخان حیات عقلی بین مسلمانان از چه زمانی آغاز شد؟ و پایه گذاران آن را نام ببرید:
- ۸- برخی از موارد زمینه ساز قرآن کریم و پیامبر اسلام در حیات عقلی را بنویسید:
- ۹- بیشتر مباحث مسلمانان از چه جنسی بود؟ و از چه زمانی ظهور کرد:
- ۱۰- مسلمانان از روش عقلی و استدلالی در چه مسائلی استفاده می کردند:
- ۱۱- حیات عقلی مسلمانان از چه قرنی آغاز و در چه قرنی به حیات فلسفی انجامید:
- ۱۲- نهضت ترجمه از چه قرنی آغاز و به شکل گیری کدام حیات انجامید:
- ۱۳- نهضت ترجمه در بین مسلمانان کدام علوم را شامل می شد؟ بنویسید:
- ۱۴- نهضت ترجمه از چه زبانهایی صورت می گرفت :
- ۱۵- یکی از مترجمهای زبردست قرون اولیه اسلام را نام ببرید؟ و دستمزد ترجمه اش بیشتر چگونه محاسبه می شد:
- ۱۶- مسلمانان فلسفه را از کدام کشور و آرای کدام فلاسفه آموختند:
- ۱۷- فلسفه اسلامی در آغاز چه سرشتی داشت؟ و متکی بر آرای کدام فیلسوف بود:
- ۱۸- مباحث فلسفی ارسطو بیشتر به چه روشی تکیه داشت؟ و این روش چه تأثیری بر فلسفه اسلامی گذاشت:
- ۱۹- دو فیلسوف مشاء را نام برده؟ و چرا این نام را برای فلسفه خود برگزیدند:
- ۲۰- حکمت از نظر ابن سینا چه بود؟ بنویسید:

- ۲۱- معلم اول و معلم ثانی لقب کدام فلاسفه بزرگ است؟ بنویسید:
- ۲۲- فارابی در چه علمی سرآمد روزگار خود بود؟
- ۲۳- کتاب الجمع بین رایى الحکمین (جمع میان نظرات دو حکیم) اثر کیست؟ و در چه موردی است:
- ۲۴- فارابی در کدام کتاب نظر ارسطو را و چگونه شرح می دهد:
- ۲۵- چرا فارابی به معلم ثانی شهرت یافت؟
- ۲۶- از نظر فارابی انسان چگونه موجودی است؟ بنویسید:
- ۲۷- به عقیده فارابی مسیر سعادت و کمال انسان چگونه است؟ و هدف اصلی جامعه چیست؟ بنویسید:
- ۲۸- بهترین مدینه از نظر فارابی کدام است؟ و این مدینه چه نام دارد:
- ۲۹- فارابی مدینه فاضله را به چه تشبیه کرده است؟ توضیح دهید:
- ۳۰- از نظر فارابی ریاست جامعه باید دارای چه ویژگیهایی باشد؟ بنویسید:
- ۳۱- از نظر فارابی چرا پیامبران و امامان می توانند جامعه را به سعادت حقیقی رهبری کنند:
- ۳۲- مقابل مدینه فاضله، کدام مدینه قرار دارد؟ و مهمترین تفاوت این دو مدینه چیست؟
- ۳۳- هدف مردم در مدینه جاهله چیست؟ و گمانشان چیست؟ بنویسید:

آغاز فلسفه در جهان اسلام

از توجه به فلسفه و ورود آن به جهان اسلام حدود سیزده قرن می‌گذرد. این توجه، نتیجه یک «حیات عقلی» بود که به یک «حیات فلسفی» در جهان اسلام انجامید.

وقتی که مردم یک جامعه به عقل و تفکر و اندیشه توجه کنند به طوری که عقلانیت جزء فرهنگ عمومی جامعه در آید، «حیات عقلی» شکل می‌گیرد. توجه به عقل و فکر، حرکت به سوی دانش و رشد شاخه‌های مختلف علم را به دنبال دارد و «حیات علمی» را پدید می‌آورد. یکی از شاخه‌های حیات علمی، «حیات فلسفی» است که به‌طور طبیعی، جمعی از محققان و اندیشمندان، بدان خواهند پرداخت.

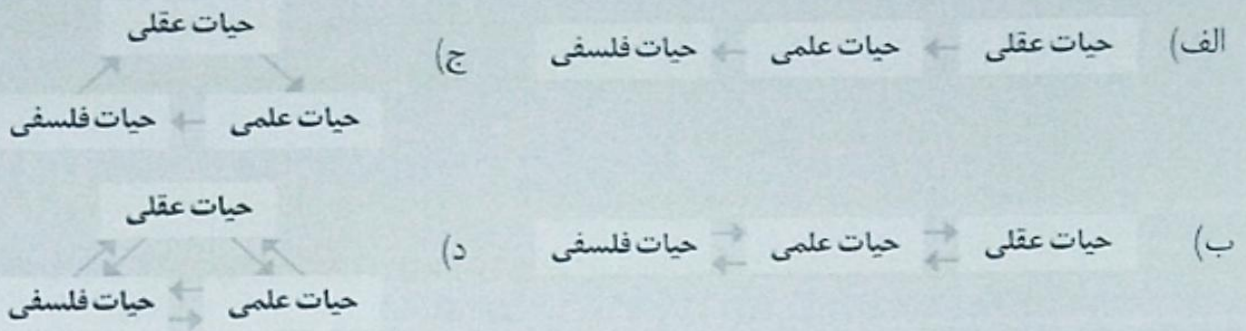
حیات عقلی مسلمانان از چه زمانی آغاز شد؟ چگونه پس از گذشت حدود دو قرن از ظهور اسلام، حیات فلسفی به مرحله‌ای از رشد رسید که اولین فیلسوف مشهور مسلمان به نام «ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی» ظهور کرد و حدود ۲۷۰ کتاب و رساله از خود به یادگار گذاشت. سرچشمه‌های این حیات عقلی و فلسفی کجاست؟



در کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی»، تألیف هانری کربن فرانسوی آمده است: ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی در حدود سال ۱۸۵ هجری در کوفه به دنیا آمد و در بغداد، دوران علمی خود را سپری کرد. مورخان او را اولین فیلسوف جهان اسلام نامیده‌اند. او علاوه بر فیلسوف بودن، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، موسیقی‌دان و طبیب هم بود. وی مترجمانی داشت که آثار مختلف علمی را از زبان‌های گوناگون ترجمه می‌کردند و در اختیارش قرار می‌دادند. کندی در سال ۲۶۰ هجری درگذشت.

۱. مقصود از علم در اینجا، صرفاً علوم تجربی نیست، بلکه هر دانشی، اعم از علوم تجربی، ریاضی، تاریخ، تفسیر و فلسفه را شامل می‌شود.

کدام یک از نمودارهای زیر را انتخاب می‌کنید؟ نظر خود را توضیح دهید.



در کتاب «تاریخ حکمای اسلام» اثر ابوالحسن علی بن زید بیهقی آمده است که بنا بر روایت گروهی از دانشمندان شیراز، چون بخش منطق کتاب «نجات» شیخ الرئیس ابن سینا به شیراز رسید، دانشمندان این شهر مطالعه آن را آغاز کردند. یکی از ایشان که اعلم آنان بود، از آن کتاب چندین اشکال و ایراد گرفت. آن اشکال‌ها را در جزوه‌ای نوشت و به پیوست نامه‌ای توسط ابوالقاسم کرمانی به اصفهان نزد شیخ فرستاد (ابن سینا آن روزها در اصفهان زندگی می‌کرد). ابوالقاسم در یک روز گرم، نزدیک غروب آفتاب به حضور شیخ رسید و نامه و جزوه را تقدیم او کرد. شیخ، در حالی که اطرافیانش گرد او بودند، بدان جزوه نگریست و تا وقت ادای نماز خفتن^۱، با ابوالقاسم صحبت می‌داشت. پس از آن به مطالعه اشکال‌ها پرداخت و نوشتن جواب آغاز کرد و در آن شب که از شب‌های کوتاه تابستان بود، پنج جزوه ده ورقی، درباب آن اشکالات کتابت نمود. آنگاه خوابید و چون نماز بامداد بگذارد، شاگردش، ابو عبید، آن جزوات را که مشتمل بر حل مشکلات و جواب اشکالات دانشمند شیرازی بودند، به ابوالقاسم داد و گفت: حضرت استاد فرمودند: «در جواب شتاب کردم تا قاصد درنگ ننماید.»

بزرگان شیراز چون آن جزوات بدیدند و کیفیت تحریر آنها را شنیدند، در شگفت شدند و شیخ را تحسین کردند.^۲ این رفت و آمد و شور و نشاط علمی نشانه چیست؟ آیا در هر جامعه‌ای چنین شور و نشاطی امکان پذیر است؟

از عمل دانشمند شیرازی و رفتار ابن سینا چه برداشتی می‌توان کرد؟

۱. نماز عشا.

۲. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۵۹، به نقل از تاریخ حکمای اسلام، اثر بیهقی، ص ۶۶.

➤ زمینه‌های رشد فلسفه

⑥

زمینه اول: دعوت قرآن کریم و پیامبر اکرم ﷺ به خردورزی؛ اگر رشد و شکوفایی علم در جامعه را به رشد گیاهان در مزرعه تشبیه کنیم، می‌توان گفت اولین شرط آن، وجود زمین آماده و حاصلخیز است. «حیات عقلی» در یک جامعه و حضور عقلانیت و احترام به عقل، همان زمین آماده‌ای است که دانه هر درخت دانش در آن کاشته شود، آن درخت تناور خواهد شد و ثمر خواهد داد.

⑦ مورخان علم گزارش داده‌اند که حیات تعقلی مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی آغاز شده است. پیامبر اکرم ﷺ و قرآن کریم «حیات عقلی» جامعه اسلامی را پایه‌گذاری کردند و در ایجاد چنین حیاتی از روش‌هایی خاص و بدیع بهره بردند؛ به طوری که جامعه اسلامی عصر پیامبر اکرم ﷺ در زمانی کوتاه به مرتبه‌ای ممتاز از «حیات عقلی» رسید. در این جامعه، فرصت تفکر و اندیشه‌ورزی برای مردم فراهم شد و بسیاری از افراد جامعه وارد بحث‌های علمی شدند. برخی از عوامل زمینه‌ساز که در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا ﷺ مشاهده می‌شود، عبارت‌اند از:

⑧ ۱. ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خردورزی؛

۲. تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خردورزی؛

۳. تکریم و احترام پیوسته عالمان و دانشمندان؛

۴. طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه‌های مختلف استدلال؛

۵. مذمت پیوسته نادانی و جهل، به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود؛

۶. دعوت به یادگیری علم و دانش ملت‌ها و تمدن‌های دیگر و استفاده از آنها.

➤ تطبیق

هر یک از عبارت‌های زیر بیشتر با کدام یک از موارد فوق تطبیق می‌کند؟

۱. قرآن کریم می‌فرماید: او اوّل است و آخر و ظاهر است و باطن، و او به هر چیزی داناست.^۲

۲. امیرالمؤمنین می‌فرماید: موجودات کاملی هستند عاری از ماده و قوه؛ زیرا جملگی مجردند و نهایت کمال

ممکن خود را دارا هستند. خداوند بر آنها تجلی کرد، نورانی شدند...^۳

۱. برای مطالعه گزارش مورخان علم می‌توانید به این کتاب‌ها مراجعه کنید: متفکران اسلام، یارون کارادو وو، ترجمه احمد آرام؛ تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون، ترجمه حسینی؛ تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه علی جوهر کلام؛ بومیایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی؛ دانش مسلمین، محمدرضا حکیمی؛ عظمت مسلمین در آسیایا، زورف ماکاب، ترجمه فیضی؛ علم و تمدن در اسلام، سیدحسین نصر، ترجمه احمد آرام؛ فرهنگ اسلام در اروپا، زیگرید هونکه، ترجمه رهبانی؛ کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب؛ میراث اسلام، جمعی از خاورشناسان؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری.

۲. حدید، ۳.

۳. صور غاریه عن المواد، خالیه عن القوه والاستعداد، تخلق لها فانزقت... (غرر الحکم و دُرر الکلم، ج ۲، ص ۴۱۲).

۱۲ روزی رسول خدا ﷺ وارد مسجد مدینه شد. دید که جمعی از مردم به عبادت مشغول اند و گروهی دربارهٔ مسائل علمی گفت و گو می‌کنند. ایشان به سوی گروه دوم رفت و کنار آنان نشست و فرمود: من برای گسترش علم مبعوث شده‌ام.^۱

۱۳ رسول خدا ﷺ فرمود: حکمت گم‌شده مؤمن است. آن را طلب کنید؛ حتی اگر نزد مُشرک باشد.^۲

۱۴ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس برای خدا صفتی جدا از ذات قائل شود، او را قرین چیز دیگری ساخته و هر کس خدا را قرین چیز دیگری بداند، او را دو چیز انگاشته و هر کس خدا را دو چیز بپندارد، برای او جزء قائل شده است.^۳

۵/۲ زمینه دوم: گسترش مباحث اعتقادی میان مسلمانان؛ بحث و گفت‌وگو در مباحث اعتقادی از همان زمان رسول خدا ﷺ آغاز شد و به سرعت در میان مسلمانان گسترش یافت. این مباحث، که بسیاری از آنها از جنس مباحث فلسفی بودند، سبب شد که در همان قرن اول هجری، دانشمندانی ظهور کنند که در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد و نیز مسائلی مانند جبر و اختیار تبخّر داشته باشند و به تعلیم و کتابت در این زمینه‌ها بپردازند و از استدلال‌های عقلی استفاده کنند. پس، حیات عقلی مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز شد و بعد از دو قرن، به حیات فلسفی انجامید.

۵/۳ زمینه سوم: نهضت ترجمه متون؛ این نهضت که از قرن دوم هجری آغاز شد، کمک شایانی به شکل‌گیری «حیات فلسفی» در جهان اسلام کرد. البته این نهضت منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست را هم شامل می‌شد و در نتیجهٔ آن، کتاب‌های فراوانی از زبان‌های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی^۴ و در رشته‌های مختلف علمی ترجمه شدند. در آن عصر، نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران آن قدر اهمیت داشت که گفته‌اند حنین بن اسحاق، مترجم معروف و زبردست آن زمان، گاهی معادل وزن کتابی که ترجمه کرده بود، طلا دریافت می‌کرد.^۵

در چنین شرایطی، مسلمانان به زودی معارف پیشینیان را فرا گرفتند و در اغلب رشته‌های دانش سرآمد ملت‌های زمان خود شدند. در فلسفه نیز دانش فیلسوفان بزرگ یونان را آموختند و با نقد و بررسی آرای آن حکیمان، نظام فلسفی نوینی را سامان بخشیدند که ضمن برخورداری از آرای افلاطون و بیشتر ارسطو، دربردارندهٔ اندیشه‌های جدیدی بود که تا آن روزگار سابقه نداشت.

۱. بخاراانوار، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲. الحکمة خالدة المؤمن، فاطمونها و لو عندالمشرک، (بخاراانوار، ج ۷۸، ص ۳۴).

۳. بهج البلاغه، خطبة اول.

۴. زبان مربوط به سوریه قدیم.

۵. حنین بن اسحاق، علی اکبر ولایتی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

➤ حکمای مشاء

۱۷) فلسفه اسلامی از همان آغاز سرشتی کاملاً استدلالی داشت و متکی بر آرای ارسطو بود. ^{۱۸} آنجا که ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه می‌کرد، فلسفه اسلامی نیز صورت استدلالی قوی به خود گرفت. تلاش‌های محکم ^{۱۹} استوار فارابی و نبوغ استدلالی ابن سینا، این صورت استدلالی را با ظریف‌ترین موشکافی‌ها آراست و یک نظام فلسفی مستحکم و قوی را پدید آورد. این شیوه تفکر فلسفی به خاطر مؤسس اول آن، ارسطو، به «حکمت مشاء» معروف شد.

پس ویژگی اصلی حکمت مشاء همان صورت استدلالی آن و الگو گرفتن از ارسطو بود. ^{۲۰} حکمت از نظر یک فیلسوف مشائی مانند ابن سینا عبارت است از: «فنی استدلالی و فکری که انسان عالم، وجود را آن چنان که هست، به وسیله این فن به دست می‌آورد و نفس خویش را به کمال می‌رساند و به جهانی عقلی مشابه جهان واقعی تبدیل می‌شود و مستعد رسیدن به سعادت نهایی، به اندازه طاقت بشری می‌گردد.»^۲

از آنجا که فارابی و ابن سینا بزرگ‌ترین حکمای مشاء محسوب می‌شوند، در ادامه، زندگی و خصوصیات این دو فیلسوف بزرگ را بیان و به مشی فلسفی آنها اشاره می‌نماییم.^۳

۲۱) معلم اول: ارسطو

معلم ثانی: فارابی

ابن سینا در شرح زندگی خود که برای شاگردش بازگو کرده است، می‌گوید: «... بعد از آن، به علم الهی (فلسفه) آمدم و کتاب «مابعدالطبیعه» (ارسطو) را مطالعه کردم و چیزی از آن نفهمیدم و مقصود نویسنده بر من معلوم نشد. چهل مرتبه آن را خواندم؛ به طوری که عبارات آن در حافظه‌ام ماند ولی مقصود آن را نفهمیدم. از خودم مایوس شدم و به خود گفتم که این کتابی است که راهی به فهم آن نیست؛ تا آنکه روزی در بازار، کتابی در دست دلالی دیدم و او آن را بر من عرضه کرد و من قبول نکردم؛ اعتقاد این بود که فایده‌ای در این علم نیست. دلال به من گفت صاحب این کتاب به بول محتاج است. آن را خریدم و در آن نظر کردم. کتابی بود از فارابی در «اغراض مابعدالطبیعه». به خانه آمدم و شروع به خواندن کردم و اغراض آن کتاب بر من معلوم شد؛ زیرا عبارات کتاب ارسطو را حفظ بودم. از این حادثه بسیار خوشحال شدم و در روز دیگر برای شکر خدا به فقرا صدقه بسیار دادم.»
ابن سینا در آن موقع، حدود هفده سال داشته است.

۱. مشاء به معنی «استوار راه راننده» است. ابن حکمت، راغبی خاطر مشاء گفته‌اند که ارسطو در هنگام تدریس، معمولاً راه می‌رفت و قدم می‌زد بر جوی سبزه گفته‌اند که چون نقش و اندیشه این فلاسفه پیوسته در مشی و حرکت بوده و دائماً بیان مقدمات و نتایج در راه می‌آمدند. فلسفه آنان را مشاء نامیده‌اند. (فلسفه مشاء، محمد ذبیحی، ص ۱ و مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۴۸)

۲. تسبیح رسائل ابن سینا، رساله الحاشیه، طبع مصر، ص ۱۰۳.

۳. همان‌طور که در کتاب فلسفه سال نهم مشاهده کردید، نظرات فیلسوفان در هر موضوعی، در ضمن همان موضوع معلوم شده تا امکان مقایسه آنها با یکدیگر فراهم شود. برای مثال، ضمن بحث معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، نظرات چند فیلسوف بیان و با یکدیگر مقایسه شده است. به همین جهت، در اینجا به جزئیات نظرات این فیلسوفان کمتر اشاره خواهیم کرد.



فارابی به تربیت نفس اهمیت بسیار می داد. به نام و شهرت بی اعتنا بود و بسیار ساده می پوشید. او حتی مخارج خود و خانواده را از راه کار و تلاش روزانه به دست می آورد. رنج و مشقت زندگی هرگز فارابی را از تحصیل باز نداشت. او بعضی از شب‌ها زیر نور چراغ پاسبان شهر درس می خواند و اغلب تا صبح بیدار بود.

حکیم ابونصر محمد فارابی در ناحیه فاراب خراسان در حدود سال ۲۶۰ هجری متولد شد. از جوانی تحصیل در فقه و حدیث و تفسیر قرآن را آغاز کرد. سپس، به بغداد رفت و از محضر ابوبشر متی بن یونس که از حکیمان و مترجمان نامدار بود، بهره برد و فلسفه آموخت. او برای تکمیل مطالعاتش به حران رفت و به آموختن ادامه داد. پس از آن، به بغداد بازگشت و از آنجا عازم دمشق شد که سیف الدوله حمدانی در آنجا حاکم بود. او تا آخر عمر نزد حمدانی زندگی کرد و در سال ۳۲۹ در هشتاد سالگی درگذشت. عالمان و مورخان فلسفه، فارابی را بنیان گذار و مؤسس حکمت مشائی در جهان اسلام می دانند.

فارابی، با اینکه مورد احترام سیف الدوله بود، به سادگی و قناعت زندگی می کرد و به تجملات زندگی و تشریفات اجتماعی بی اعتنا بود. او لباس های محلی خود را می پوشیده و به طبیعت و مظاهر آن عشق می ورزیده و اغلب مجالس درس خود را کنار چوبهارها و در زیر درخت ها تشکیل می داد. با اینکه در دربار سیف الدوله هر نوع وسیله راحتی برای او فراهم بود، فقیرانه زندگی می کرد و با روزی چهار درهم روزگار می گذرانید.

مقام علمی و فلسفی فارابی

ایشان علاوه بر فلسفه که در آن سرآمد روزگار بود، در حقوق، نجوم و سیاست نیز شهرت داشت و به درجه استادی رسیده بود. پزشکی را به خوبی می دانست و در مداوای بیماران تبخیر داشت. در فلسفه سیاست نظریه پرداز بود و دیدگاه ویژه ای را مطرح کرد که به دیدگاه افلاطون نزدیک است.

فارابی با میراث فلسفی یونان، به خصوص آرای افلاطون و ارسطو، به خوبی آشنا بود و توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو را بیابد و در کتابی با عنوان «الجمع بین رأی الحکیمین» (جمع میان نظرات دو حکیم) ارائه کند. فارابی در کتابی به نام «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه» با دقت و توانایی بسیار، نظرات ارسطو را شرح می کند و نکات پیچیده آن را آشکار می سازد؛ چنان که



ابونصر فارابی کتابی به نام الجمع بین رأی الحکیمین دارد که در آن، نظرات افلاطون و ارسطو را بیان می کند و می کوشد دیدگاه های مشترک آنها را نشان دهد.

بعدها راهنمای این سینا در فهم کتاب ارسطو می‌شود.

۲۵) وی به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام، توانست آموخته‌های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظام فلسفی جدید عرضه کند و فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهد. از این رو پس از ارسطو لقب «معلم» گرفت و به «معلم ثانی» شهرت یافت.

➤ فلسفه سیاسی فارابی

فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت. با وجود این، در سیاست بسیار اندیشید و آثاری در این زمینه نوشت.

۲۶) از نظر او، انسان موجودی مدنی بالطبع است که به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می‌خواهد با هموعان خویش زندگی کند. این اولین مبنای وی برای ورود به مباحث اجتماعی و فلسفه سیاسی است. به عقیده فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می‌گذرد و به همین جهت باید هدف اصلی جامعه و مدینه نیز سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد.

براین اساس، بهترین مدینه‌ها، از نظر وی، مدینه‌ای است که مردم آن به اموری مشغول هستند و به فضایی آراسته‌اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می‌برد و چنین جامعه‌ای از نظر فارابی «مدینه فاضله» است.

۲۹) فارابی مدینه فاضله را به بدنی سالم تشبیه می‌کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود و وظیفه‌ای برعهده دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می‌دهد. همان گونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم‌اند؛ مثلاً همان طور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم باید کسی که ویژگی‌های ممتازی دارد، بر مردم ریاست کند.

۳۰) از نظر او، ریاست جامعه باید بر عهده کسی باشد که روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد و به عالی‌ترین درجات تعقل رسیده و می‌تواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند؛ یعنی رهبر جامعه کسی جز پیامبر خدا نیست. پیامبر می‌تواند یا فرشته وحی اتصال دائمی داشته باشد. این ویژگی برای امامان و جانشینان پیامبر هم هست و همین اتصال پیوسته با عالم بالا به پیامبران امکان می‌دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کنند.



فارابی مدینه جاهله را در مقابل مدینه فاضله، قرار می دهد و معتقد است که مهم ترین تفاوت آن با مدینه فاضله در هدف آن است. در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت های دنیایی است. آنها گمان می برند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند، به سعادت رسیده اند و اگر دست نیافتند، به بدبختی افتاده اند.

➔ به کار ببندیم

۱ با توجه به آنچه درباره مدینه فاضله فارابی گفته شد، نظر فارابی درباره هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

موضوعات	در مدینه فاضله	در مدینه جاهله
هدف		
مردم		
رئیس		

۲ کدام یک از زمینه های رشد فلسفه از نظر شما اهمیت بیشتری دارد؟

.....

.....

۳ شاخصه اصلی فلسفه مشائی چیست؟

.....

.....

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

- ۱ مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۵، انتشارات صدرا.
- ۲ تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، حنا الفاخوری و خلیل الجور، ترجمه عبدالمحمد آیتی، کتاب زرطلان.
- ۳ هستی و علل آن در حکمت مشاء، علی شیروانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۴ تاریخ فلسفه اسلامی در پنج جلد، زیر نظر امیرحسین تصوی، انتشارات حکمت.
- ۵ حکمت مشاء، محمد ذبیحی، انتشارات سمت.
- ۶ انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، دلیسی اولیوی، ترجمه احمد آرام.
- ۷ فارابی مؤسس فلسفه اسلامی، رضا داوری.
- ۸ آراء اهل مدینه الفاضله، فارابی، ترجمه سیدجعفر سجادی.
- ۹ تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه اسداله مبشری.